

مقابله با خشونت و جرم مبتنی بر نفرت نسبت به ترنس‌ها

در ایران و ایالات متحده امریکا

سید مصطفی مشکات*

چکیده

یکی از عوامل ایجاد جرائم مبتنی بر نفرت را هویت جنسیتی قربانیان تشکیل می‌دهد. در واقع، از آنجایی که افراد مذکور اعتقاد به جنسیتی مخالف با جنسیت زمان تولد خود دارند، اعمال و کرداری مخالف با جنس بیولوژیک خود انجام می‌دهند. چنین عملکردی که محصول اختلال روانی افراد یادشده است موجب شده تا این افراد به‌عنوان هدف مناسبی برای بزه‌دیدگی جرائم مبتنی بر نفرت به شمار آیند. در این‌جا این پرسش مطرح می‌شود که اتخاذ چه نوع سیاستی به منظور مقابله با اعمال خشونت بر پایه ترنس‌بودن قربانی، اثربخش جلوه می‌کند. در پاسخ، به عنوان فرضیه می‌توان گفت، به منظور مقابله با خشونت نسبت به ترنس‌ها، تعیین و استقرار راهبردی جامع و متناسب در قلمروی تدابیر کیفری و غیر کیفری سازنده ارزیابی می‌شود. در این خصوص یافته‌های حاصل از کاوش‌های صورت‌گرفته پیرامون راهبرد ایران و ایالات متحده آمریکا در راستای مقابله با نفرت و خشونت بر ترنس‌ها نشان می‌دهد، کنشگران قانون‌گذاری ایالات متحده آمریکا در سطوح فدرال و بیشتر ایالات، ترنس‌ها را به‌عنوان یکی از گروه‌های مشمول حمایت در قبال جرائم مبتنی بر نفرت شناسایی کرده‌اند. علاوه بر این‌ها، تدابیر غیرکیفری ازجمله در حوزه آموزش و آگاهی‌رسانی پیرامون اختلال هویت جنسیتی ترنس‌ها، انشای مقررات ضد تبعیض جنسیتی در فضای شغلی، تحصیلی، معاضدت حقوقی و متناسب‌سازی پناهگاه‌ها به منظور مقابله با خشونت نسبت به ترنس‌ها در کانون توجه قرار گرفته است. در سوی مقابل، قانون‌گذار ایران هنوز نتوانسته سیاست حمایتی مناسبی را در مواجهه با خشونت بر پایه ترنس‌بودن بزه‌دیده انشاء و عملیاتی سازد. با این مراتب، در طی جستار حاضر هدف آن است تا با مقایسه و بررسی سیاست قانون‌گذاری پیشگیرانه ایران و ایالات متحده آمریکا با یکدیگر، راهبرد مناسبی برای مقابله با جرم مبتنی بر نفرت نسبت به ترنس‌ها ترسیم شود.

واژگان کلیدی: ترنس و ترنس‌فوبیا، خشونت، جرم مبتنی بر نفرت، هویت جنسیتی.

* دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی. MustafaMeshkat@yahoo.com

سرآغاز

امروزه توسعه آگاهی و رؤیت‌پذیری^۱ منجر به افزایش ارتکاب خشونت و جرائم مبتنی بر نفرت نسبت به افراد ترنس^۲ شده است. افراد یادشده به خصوص زمانی که در منظر عموم به‌عنوان خودِ حقیقی‌شان زندگی می‌کنند در معرض تهدید بیشتری قرار می‌گیرند (Pettigrew, 2016: 31). به این ترتیب، افراد ترنس به‌عنوان یکی از گروه‌های پرخطر در قبال بزه‌دیدگی جرائم مبتنی بر نفرت قرار دارند (Bissler & Connors, 2014:151).

در این مسیر، ارتکاب جرائم مبتنی بر نفرت نسبت به افراد ترنس به‌عنوان یک معضل جهانی^۳ مطرح شده است. بنا به بررسی‌های صورت‌گرفته از سال ۲۰۰۸ تاکنون، بیش از ۲۳۰۰ نفر از افراد ترنس در سطح جهان کشته شده‌اند. این در حالی است که بیشتر آن‌ها کمتر از ۳۰ سال سن داشتند (Tomei & Cramer, 2016: 45). همچنین مطابق با گزارش اداره تحقیقات فدرال ایالات متحده آمریکا^۴، حدود ۱۷/۴ درصد از جرائم مبتنی بر نفرت در فاصله سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۸ جرائمی هستند که نسبت به اقلیت‌های جنسی^۵ ارتکاب یافته‌اند (Corona, et al., 2014:52). در این زمینه، ترکیب عوامل ترنس‌فوبیا و نژادپرستی^۶ باعث شده است تا افراد ترنس غیر سفیدپوست در ایالات متحده آمریکا بیشتر در معرض خشونت و نفرت قرار بگیرند (Gitlin, 2017: 49).

سازمان ملل متحد برای مقابله با خشونت و جرم مبتنی بر نفرت نسبت به ترنس‌ها راهکارهایی را توصیه کرده است. بر این اساس در وهله اول، تمامی دولت‌ها باید مقرراتی را وضع کنند که بر اساس آن، جرم مبتنی بر نفرت غیرقانونی اعلام شود. به‌علاوه، کشورها باید سازوکاری را فراهم کنند که طی آن، قربانیان به سادگی بتوانند به گزارش جرم اقدام کنند و از طرف دیگر، مقام‌های تعقیب نیز این امکان را داشته باشند

-
1. Visibility
 2. Trans people
 3. Global crisis
 4. Federal Bureau of Investigation
 5. Sexual minorities
 6. Racism

تا به سهولت مرتکبان بزهکاری را نزد [دستگاه] عدالت بسپرنند. سرانجام، کشورها باید به ترنس ها اجازه دهند که چنانچه به خاطر گرایش جنسی یا هویت جنسیتی خود مشمول سوءرفتار قرار گرفتند، در جستجوی پناهندگی باشند (Pelleschi, 2016: 86).

با این مراتب، کنشگران قانون‌گذاری ایران با وجود شناسایی جراحی تغییر جنسیت در مورد افراد ترنس،^۱ هنوز مقررات منسجم و جامعی را در راستای حمایت و مقابله با خشونت و جرم مبتنی بر نفرت نسبت به ایشان انشاء نکرده‌اند. در حقیقت، اگرچه اصل عنوان مجرمانه مبتنی بر نفرت هنوز جرم‌انگاری نشده است و در پی آن، اختلال هویت جنسیتی نیز در لوای یکی از ارکان جرائم یادشده به رسمیت شناخته نشده است ولی در حوزه تدابیر غیرکیفری نیز راهبرد پیشگیرانه منسجمی در قبال خشونت نسبت به افراد ترنس مدنظر قرار نگرفته است. به بیانی دقیق‌تر، به جز تلاش‌های سازمان بهزیستی به منظور مساعدت مالی برای جراحی تغییر جنسیت و مشاوره، اقدام خاص دیگری برای حمایت از ترنس‌ها صورت نگرفته است. در سوی مقابل، کنشگران تقنینی ایالات متحده امریکا در سطوح فدرال و بیشتر ایالات، علاوه بر جرم‌انگاری جرم مبتنی بر نفرت بر پایه اختلال هویت جنسیتی بزه‌دیده، تمرکز بر تدابیر غیرکیفری چون آموزش و آگاهی‌رسانی، شناسایی حقوق ترنس‌ها، ایجاد مقررات ضد تبعیض جنسیتی و معاضدت حقوقی را در اولویت قرار داده‌اند.

اکنون پرسشی که فراروی مخاطب قرار می‌گیرد آن است که سیاست قانونگذاری مناسب و بازدارنده در مواجهه با جرم مبتنی بر نفرت نسبت به ترنس‌ها از چه ابعادی برخوردار است؟ در مقام پاسخ به‌عنوان فرضیه باید گفت، جرم‌انگاری مستقل جرم مبتنی بر نفرت یا حداقل تشدید خاص مجازات‌های عملی که بر پایه اختلال هویت

۱. بعد از فتوای امام خمینی در سال ۱۳۶۴ در خصوص جواز تغییر جنسیت افراد ترنس، به تدریج عمل‌های تغییر جنسیت با مجوزهای قانونی انجام شد. بر این اساس، افرادی که از اختلال هویت جنسیتی رنج می‌برند به پزشکی قانونی مراجعه تا در صورت تأیید مرجع یادشده، نامه‌ای به دادگستری ارسال شده تا از این طریق مجوز تغییر جنسیت صادر شود؛ در این صورت، جراح به استناد نامه دادگستری عمل جراحی مذکور را انجام می‌دهد (کریمی‌نیا، ۱۳۹۱: ۷۹).

جنسیتی بزه‌دیده شکل می‌گیرد همراه با آموزش و آگاهی همگانی پیرامون اختلال هویتی افراد ترنس، ایجاد پناهگاه‌های امن اختصاصی، معاضدت حقوقی و مددکاری می‌تواند اجزای سیاست پیشگیرانه مناسب را در قبال جرائم مذکور تشکیل دهد.

با این همه، طی جستار حاضر قصد بر آن است تا همراه با شناسایی ترنس‌ها و علت‌جویی بزه‌دیدگی ایشان در قبال خشونت و جرائم مبتنی بر نفرت، راهبرد قانونی ایران و ایالات متحده آمریکا نیز در حوزه مقابله با اعمال یادشده و حمایت از ترنس‌ها (اعم از تدابیر کیفری و غیر کیفری) بررسی و ارزیابی شود تا سرانجام از رهگذر مطالعه‌ها و بررسی‌های صورت‌گرفته به انشای سیاست پیشگیرانه مناسب و مؤثری در قبال خشونت و نفرت نسبت به ترنس‌ها مبادرت شود. در آغاز، با پیروی از ساختار یک نگارش علمی منسجم، ابتدا به مفهوم‌شناسی مبادرت می‌شود. در این راستا، تلاش بر آن است تا جرم مبتنی بر نفرت و اختلال ترنس به صورت ساده و شفافی تعریف شوند.

۱. جرم مبتنی بر نفرت

تعریف یگانه‌ای از جرم مبتنی بر غفلت که مورد پذیرش همگان باشد، وجود ندارد (Chalmers & Leverick, 2017: 4). با این حال، مطابق با تعریف وزارت دادگستری ایالات متحده آمریکا،^۱ جرم مبتنی بر نفرت عبارت است از خشونت غیرقابل تحمل و تعصب‌آمیز با قصد ایراد صدمه یا ارباب کسی به خاطر نژاد، قومیت، اصالت ملی، مذهب، گرایش جنسی و یا ناتوانی (معلولیت) (Pelleschi, 2016: 30). به عبارتی روشن‌تر، جرم مبتنی بر نفرت، ارتکاب رفتار خشونت‌آمیز بر پایه تعصب و بیزاری نسبت به یکی از متغیرهای قومی، مذهبی، نژادی، جنسیتی و معلولیت است که قربانی یکی از تابعان (افراد) آن را تشکیل می‌دهد.

1. The US Department of Justice

البته به این موضوع باید توجه داشت که هر جرمی که به خاطر نفرت از بزه‌دیده ارتکاب یابد باعث پیدایش جرم مبتنی بر نفرت نمی‌شود بلکه خشونتِ نشئت‌گرفته از نفرت تنها زمانی در شمار جرائم مذکور قرار می‌گیرد که این نفرت با تبعیض و انزجار با گروه‌های نژادی، قومی، دینی، جنسیتی و سیاسی ارتباط داشته باشد (مجیدی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۸). به دیگر سخن، جرائم ناشی از نفرت نه‌تنها موجب آسیب‌ها و مشکلات روانی بیشتری در فرد قربانی می‌شود بلکه به شکل نمادینی، گروهی از جامعه را هدف قرار می‌دهند (صادقی، ۱۳۹۵: ۲۵). به عبارتی روشن‌تر، اگرچه هدف جرائم مبتنی بر نفرت یک یا چند فرد معدود است اما این افراد به نمایندگی از گروهی بزرگ‌تر انتخاب شده‌اند که نفرت مرتکب را در مقام ارتکاب بزهکاری برانگیخته است. جرم مبتنی بر نفرت در وهله نخست، یک معضل خاص اجتماعی را پدید می‌آورد و در مرحله بعدی، جرائم مذکور، خطر اجتماعی بزرگ‌تری را در مقایسه با جرائم مشابه که در غیاب «برانگیزش‌های گروه خاص»^۱ به وقوع می‌پیوندند به وجود می‌آورد (Zylan, 2009: 2).

۲. اختلال ترنس

اصطلاح ترنس^۲ یک مفهوم کلی به حساب می‌آید و به افرادی اشاره دارد که قواعد جنسیت دوگانه سنتی را بر مبنای مردانه یا زنانه بودن قبول ندارند و هویت جنسی کنونی آن‌ها با جنسی که در زمان تولد به دنیا می‌آیند از تناسب برخوردار نیست. بر این اساس، افراد ترنس شامل افراد تراجنسیتی،^۳ تراجنسی،^۴ تغییرجنسیت‌داده^۵ و دوقطبی^۶ می‌شود (Steele, et al., 2017: 125). به عبارتی خلاصه‌تر، افراد ترنس تمایلات جنسی و جنسیت خود را با جنس بدنی خود سازگار نمی‌پندارند (ویسی و نظری ۱۳۹۵: ۲۶). در

1. Group-specific motivations
2. Trans
3. Transgender
4. Transsexual
5. Transitioned
6. Two-spirit people

واقع، اگرچه افراد ترنس به لحاظ اندام جنسی که در اختیار دارند یا در گروه مردان یا زنان قرار می‌گیرند اما ایشان قائل به چنین طبقه‌بندی نیستند. افراد ترنس بر این اعتقاد هستند که جنسیتی مخالف با جنس فعلی خود دارند. به همین منظور، اعمالی که انجام می‌دهند در راستای جنسیتی است که به آن اعتقاد دارند نه جنسی که در زمان تولد با آن به دنیا آمده‌اند و برچسب آن را دارند. از این رو، تمایل و گرایش جنسی افراد ترنس همسو با جنسیتی مخالف با جنس بیولوژیکی خود است.

در اینجا ممکن است این سؤال پیش بیاید که چرا افراد ترنس دچار اختلال هویت جنسیتی می‌شوند؟ در پاسخ باید گفت، آنچه در تنظیم جنسیت افراد از منظر بیولوژیک نقش پیدا می‌کند در وهله اول به ژن‌هایی برمی‌گردد که افراد به ارث می‌برند و دوم به سطح هورمون‌هایی بستگی دارد که افراد در دوره جنینی در محیط رحم در معرض آن قرار می‌گیرند (Erickson-Schroth & Boylan, 2014: 85)

در ضمن، آنچه موجب تمییز مفاهیم ترنس از دوجنسی (هرمافرودیت)^۱ می‌شود آن است که افراد ترنس از منظر دستگاه تناسلی با اختلالی مواجه نبوده بلکه تنها از منظر روانی، اعتقاد به جنسیتی مخالف با جنس ناشی از زمان تولد خود دارند، این در حالی است که افراد دوجنسی دارای دو اندام جنسی زنانه و مردانه هستند و از دستگاه تناسلی یگانه یعنی زنانه یا مردانه برخوردار نیستند. به عبارتی روشن‌تر، اختلال افراد ترنس بُعد روانی داشته و اختلال افراد دوجنسی از بُعد جسمی برخوردار است.

۱-۲. ترنس مرد

ترنس مرد^۲ به کسی اطلاق می‌شود که اگرچه در هنگام تولد، برچسب جنسی زنانه را دریافت کرده اما از جنسیت مردانه برخوردار است و تمایل تغییر به جنسیت مردانه به

1. Bisexual (Hermaphrodite)

افراد دوجنسی یا هرمافرودیت به کسانی گفته می‌شود که آلت مردانه و زنانه هر دو را با هم دارند. در فقه به چنین افرادی، ختنی گفته می‌شود (کریمی‌نیا ۱۳۹۱: ۵۴).

2. Female to male (FTM) Trans man

صورت دائمی را دارد (Perry & Franey, 2017: 25)؛ بنابراین ترنس مرد مثل مردها در جامعه ظاهر و رفتار می‌کند ولی از منظر جنسی (اندام جنسی) به عنوان یک زن شناخته می‌شود.

۲-۲. ترنس زن

ترنس زن^۱ به فردی گفته می‌شود که اگرچه در هنگام تولد، برچسب جنس مردانه را دریافت کرده ولی دارای جنسیت زنانه است و تمایل تغییر به جنسیت زنانه به صورت دائمی را دارد (Perry & Franey, 2017: 25)؛ به دیگر سخن، افرادی که از منظر بیولوژیک مرد به حساب می‌آیند اما خود را به عنوان زن می‌انگارند و مثل زنان زندگی می‌کنند، ترنس زن نامیده می‌شوند (Nemoto, et al., 2011: 1980). بر این اساس، برخی از نویسندگان (Summersell, 2018: 3) اعتقاد دارند که ترنس زن یک زن به شمار می‌آید، زیرا زن به کسی اطلاق می‌شود که می‌خواهد یک زن باشد.^۲

۳. علت‌شناسی خشونت و جرم مبتنی بر نفرت نسبت به ترنس‌ها

یکی از مهم‌ترین عوامل ارتکاب جرم مبتنی بر نفرت نسبت به ترنس‌ها، ترنس فوبیا^۳ است. ترنس فوبیا به عنوان احساس ترس شدید و غیرمنطقی از افراد تراجنسیتی، تراجنسی، مردان زن‌نما و زنان مردنما تعریف شده است. به طور مثال، یکی از مصداق‌های ترنس فوبیا در جایی است که تنها تقسیم‌بندی دوگانه جنسی اعم از مردانه و زنانه را طبیعی بدانیم (Helgeson, 2016: 89). آنچه باعث می‌شود ترنس فوبیا به عنوان عامل محرکی برای ارتکاب جرم نفرت نسبت به افراد ترنس به شمار آید تنها به ترس از افراد ترنس به خاطر ظاهر متفاوتی که دارند برمی‌گردد (Jamel, 2017: 58).

1. Male to female (MTF) Trans woman

2. "a woman is whoever wants to be a woman"

در این ارتباط گفته شده طرز تفکر و نوع نگرش افراد، گفتار، کردار و چارچوب کلی شخصیت آن‌ها را تشکیل می‌دهد.

(بهنام، ۱۳۸۸: ۳۶)

3. Transphobia

در این راستا، مطابق با تحقیقی که در ایالات متحده امریکا صورت پذیرفت مشخص شد، بیشتر افراد ترنس به‌ویژه در سن ۱۲ تا ۱۸ سالگی، به طور شایعی در معرض ترنس فوبیا قرار گرفتند. افراد مورد مصاحبه بیان داشتند که به خاطر هویت جنسیتی خود مورد تمسخر سایر افراد قرار می‌گیرند. تقریباً تمامی شرکت‌کنندگان در مصاحبه ابراز داشتند که آزار کلامی^۱ را تجربه کردند (Nemoto et al., 2011: 1980-1983). تمسخر و سوءاستفاده از افراد دارای اختلال تراجنسی در زمره پیامدهای منفی به شمار می‌آید که معلول عدم شناخت و آگاهی از اختلال مذکور در سطح جامعه است (علیرضائزاد، آذرئاد و نیکوگفتار، ۱۳۹۵: ۱۶۵).

بر اساس پژوهشی که از طریق مصاحبه در میان ۲۵ نفر از افراد تراجنسی در شهرهای یزد، مشهد و تهران صورت گرفت مشخص شد که آنگ بی‌حیثیتی، ناامنی شغلی و طرد اجتماعی در زمره متغیرهایی به شمار می‌آیند که منتج به آزار ترنس‌ها می‌شوند. در این‌باره گفته شده است، فقدان آگاهی و کلیشه‌های فرهنگی و برخی تعصبات موجب شده است تا افراد جامعه، ترنس‌ها را افراد منحرف و مجرم دانسته و ایشان را به عنوان موجودی اضافی و منحرف جنسی بشناسند. همچنین ترنس‌ها در محل کار به خاطر رفتارهای خاصی که از خود نشان می‌دهند با الفاظ نامناسب و آنگ مواجه می‌شوند. وانگهی، وضعیت و رفتارهای خاص ترنس‌ها باعث شده است تا کردار ایشان به عنوان رفتارهای غیرمتعارف شناخته شده و همین عامل موجب می‌شود تا با واکنش منفی اطرافیان مواجه شوند و افراد جامعه قادر به پذیرش آن‌ها نباشند و سرانجام منجر به طرد آن‌ها از جامعه می‌شود (فرهمند و دانافر، ۱۳۹۶: ۷۵۱ تا ۷۵۳).

با التفات به نگرش‌های منفی که به افراد ترنس وجود دارد جای تعجب نیست که گفته شود افراد مذکور بیشتر در معرض تهاجم جسمی، جنسی و آزار و اذیت قرار دارند. آزار جسمانی و روانی افراد ترنس با خودکشی و افسردگی آن‌ها در ارتباط است (Helgeson, 2016: 89). چنین نگرش‌های منفی تنها در سطح مردم رواج ندارد بلکه

مقام‌های دستگاه عدالت کیفری را نیز درگیر خود ساخته است. در این اثناء، یکی از ترنس‌های زن بیان می‌دارد، «پلیس ما را در خیابان به دیده افرادی می‌بیند که می‌خواهند به روسپیگری^۱ پردازند در صورتی که این‌طور نیست، بسیاری از ترنس‌ها در زمره افراد دانشگاهی و صاحب مدارک تحصیلی هستند ...» (Pettigrew, 2016: 32). در حقیقت، از آنجا که افراد ترنس مبادرت به پوشیدن لباس جنس مخالف و رفتار به سبک و شیوه جنس مخالف می‌کنند و این اعمال مورد پذیرش خانواده و جامعه قرار ندارد باعث برانگیختن واکنش جامعه می‌شود (کریمی‌نیا، ۱۳۹۱: ۳۰). طرد و رهاسازی ترنس‌ها در اجتماع، سرآغاز مصائب و سوءاستفاده تشنگان شهوت از چنین افرادی است (گشتاسبی اصل، ۱۳۹۳ الف: ۸۲).

گاهی اوقات، پاره‌ای از وضعیت‌ها، سهم بالایی در خصوص بزه‌دیدگی افراد ترنس در قبال خشونت و جرم مبتنی ایفا می‌کنند. در این خصوص گفته شده است، در جاهایی مثل زندان‌ها و پناهگاه‌ها که به دو قسمت زنانه و مردانه تقسیم می‌شود، ورود یک فرد ترنس می‌تواند باعث خشونت نسبت به افراد مذکور شود. به طور مثال، زمانی که یک ترنس زن به زندان مردان وارد می‌شود، ارتکاب خشونت نسبت به فرد ترنس از شیوع بالایی برخوردار است (Teich, 2012: 99).

۴. مقابله با خشونت و جرم مبتنی بر نفرت نسبت به ترنس‌ها در ایران

در ادبیات حقوقی ایران، اصطلاح جرائم مبتنی بر نفرت هنوز شناسایی نشده است. با این وجود، این به معنای عدم وجود انگیزه‌های تشکیل‌دهنده چنین جرائمی در میان مرتکبان نیست (دارابی، ۱۳۹۵: ۶۰). بر این اساس در مقطع کنونی، این موضوع که جرم به دلیل ترنس بودن بزه‌دیده ارتکاب یافته است مشمول عنوان مجرمانه مستقلی نیست. وانگهی، این موضوع منجر به آن نمی‌شود که نوع و یا میزان ضمانت اجراهای کیفری نیز تشدید شوند.

افزون بر آن مطابق با قانون آیین دادرسی کیفری، مقررات خاصی در خصوص فرآیند کیفری برای افراد ترنس دیده نمی‌شود. اگرچه قانون‌گذار در ماده ۴۲ قانون یادشده، تحقیق از زنان و کودکان را به عهده ضابطان زن گذاشته اما در خصوص افراد دارای اختلال هویت جنسیتی سکوت اختیار کرده است.

با این اوصاف، یکی از اقدام‌های معدود قانون‌گذار که در عرصه مقابله با خشونت و جرم مبتنی بر نفرت نسبت به ترنس‌ها اتخاذ شده است به شناسایی «اختلال هویت جنسی» به عنوان یکی از مصداق‌های «وضعیت مخاطره‌آمیز» در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۹۹ منصرف می‌شود. پذیرش این مسئله از ناحیه قانون‌گذار که کودکان و نوجوانان برخوردار از اختلال یادشده (ترنس‌ها) از پتانسیل بیشتری جهت ابتلا به آزار و خشونت قرار دارند و از این حیث، نیازمند حمایت تقنینی هستند گامی مثبت در عرصه پیشگیری از خشونت نسبت به افراد مذکور به شمار می‌آید. در این خصوص، ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۹۹ چنین مقرر داشته است: «موارد زیر در صورتی که طفل یا نوجوان را در معرض بزه‌دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا وضعیت آموزشی وی قرار دهد، وضعیت مخاطره‌آمیز محسوب شده و موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌شود: ... د) کم‌توانی جسمی یا ذهنی طفل و نوجوان، ابتلای وی به بیماری‌های خاص یا اختلال هویت جنسی ...». در ادامه، قانون‌گذار در ماده ۳۳ همین قانون، وجود وضعیت مخاطره‌آمیز (از قبیل اختلال هویت جنسی) در میان کودکان و نوجوانان را چنانچه به موجب آن، احتمال ارتکاب جرم برود مستلزم مداخله دانسته است. به بیانی روشن‌تر، قانون‌گذار پیشگیری از بزه‌دیدگی را به خاطر اختلال هویت جنسی در مورد بخشی از افراد جامعه در قانون توجه قرار داده است. در این‌باره، ماده ۳۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۹۹ بیان می‌دارد: «هرگاه خطر شدید و قریب‌الوقوعی طفل یا نوجوان را تهدید کند یا به سبب وضعیت مخاطره‌آمیز موضوع ماده (۳) این قانون وقوع جرم، محتمل باشد، مددکاران اجتماعی به‌زیستی یا واحد

حمایت دادگستری و ضابطان دادگستری مکلفاند فوری و در حدود وظایف و اختیارات قانونی، تدابیر و اقدام‌های لازم را در صورت امکان با مشارکت و همکاری والدین، اولیاء و یا سرپرستان قانونی طفل و نوجوان جهت رفع خطر، کاهش آسیب و پیشگیری از وقوع جرم انجام داده و در موارد ضروری وی را از محیط خطر دور کرده و با تشخیص و زیر نظر مددکار اجتماعی به مراکز بهزیستی یا سایر مراکز مربوط منتقل کنند و گزارش موضوع و اقدامات خود را حداکثر ظرف مدت دوازده ساعت به اطلاع دادستان برسانند». بنا به ماده قانونی مذکور، اختلال هویت جنسی به عنوان یک عامل خطر در نظر گرفته شده است. به این ترتیب، در صورت وجود شرایط مصرح، رعایت تدابیر به هنگام از جمله دور کردن کودکان و یا نوجوانان در معرض خطر (برخوردار از اختلال هویت جنسی) از محیط خطر به منظور رفع خطر بزه‌دیدگی و پیشگیری از ارتکاب جرم الزامی دانسته شده است. با این وجود، انتقادی که از این حیث به عملکرد قانون‌گذار وارد می‌آید آن است که در مقابل تکلیف مددکاران اجتماعی بهزیستی یا واحد حمایت دادگستری و ضابطان دادگستری مبنی بر انجام اقدام‌های لازم جهت رفع خطر، ضمانت اجرای متناسبی در فرض عدم التزام به تکلیف یادشده مقرر نشده است. اعطای معافیت دائم سربازی^۱ به افراد برخوردار از اختلال تراجنسی به عنوان راهکاری پیشگیرانه‌ای به شمار می‌آید که باعث می‌شود ترنس‌ها (زن ترنس) از ایراد آزار و خشونت احتمالی مصون باقی بمانند، زیرا همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، محیط‌هایی مثل زندان، پادگان، پناهگاه و مدرسه که برحسب خوانش جنسی بیولوژیک افراد طبقه‌بندی می‌شوند (مطابق با برچسب جنسی زمان تولد افراد) می‌تواند بستر لازم را برای تولید خشونت نسبت به ترنس‌ها که معتقد به جنس مخالف با جنس بیولوژیک

۱. در این خصوص، بندهای ۳ و ۱۲ بخش پنجم آیین‌نامه معاینه و معافیت پزشکی مشمولان خدمت وظیفه عمومی ۱۳۹۳ قابل اشاره است.

خود هستند فراهم سازد.^۱

با این همه، مقررات فراگیری که با اتکا به آن‌ها بتوان به حمایت و پیشگیری از خشونت و جرم بر پایه ترنس‌بودن قربانی مبادرت کرد هنوز در سامانه قانونگذاری ایران انشاء نشده است. به بیانی دقیق‌تر، با وجود پذیرش هویت جنسیتی افراد ترنس توسط امام خمینی و اعطای جواز تغییر جنسیت به ایشان، هنوز حمایت قانونی مناسبی از ایشان به عمل نیامده است. البته در این خصوص، تلاش‌های معدودی چون تأمین مخارج عمل جراحی تغییر جنسیت افراد ترنس توسط بیمه (صفری و شاه‌کرمی، ۱۳۹۵: ۳۸۹)، مساعدت مالی برای جراحی تغییر جنسیت و مشاوره رایگان به ترنس‌ها توسط مراکز اورژانس اجتماعی صورت گرفته است.^۲

فقدان آموزش و آگاهی‌رسانی همگانی پیرامون اختلال تراجنسی و مبتلایان به آن، مهم‌ترین نارسایی موجود در مواجهه با جرائم مبتنی بر نفرت نسبت به افراد یادشده را تشکیل می‌دهد. به عبارتی روشن‌تر، زمانی که اعضای جامعه از اختلال هویت جنسیتی و تأثیری که آن بر مبتلایان خود دارد، آگاهی و التفات داشته باشند، مسئله ترنس‌فوبیا و ارتکاب جرم ناشی از نفرت نسبت به افراد ترنس نیز موضوعیت پیدا نمی‌کند. در این ارتباط گفته شده است، در ایران، وضعیت ترنس‌ها نه تنها برای مردم عادی بلکه برای جامعه علمی و دانشگاهی نیز چندان آشنا نیست (فرهمند و دانافر، ۱۳۹۶: ۷۳۹). به عبارتی

۱. با این وجود، ذکر اختلال تراجنسی در ذیل بیماری‌های اعصاب و روان از قبیل سایکوپس و همچنین انحراف‌های اخلاقی به شرح مندرج در بخش پنجم آیین‌نامه معاینه و معافیت پزشکی مشمولان خدمت وظیفه عمومی ۱۳۹۳ سنجیده ارزیابی نمی‌شود. در این خصوص گفته شده است: «... بله در قانون چند ماده برای معافیت آمده و بستگی به آن کمیسیون بررسی می‌کند که کدام بند را در نظر بگیرند. در واقع از آنجایی که این افراد [منظور ترنس‌ها است] سالم هستند و می‌توانند اشتغال داشته باشند. بحث اختلال روانی مانع اشتغالشان می‌شود». به نقل از: من فقط یک ترنس هستم (۱۳۹۷/۱۱/۳۰)، خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا).

۲. در این باره همچنین لازم به ذکر است: «معاون امور اجتماعی بهزیستی استان تهران گفت: بهزیستی وظیفه دارد که به این افراد [ترنس‌ها] کمک کند، حتی تا سقف ۲۵ میلیون تومان نیز برای ارائه خدمات درمانی به آن‌ها مساعدت مالی می‌شود؛ البته مبلغی که این افراد باید برای جراحی و تغییر جنسیت هزینه کنند چندین برابر این مبلغ است» به نقل از: (ایلنا، ۱۳۹۷/۲/۲۲).

روشن‌تر، رویکرد جامعه ستی ایران نسبت به ترنس‌ها منجر به آن شده است تا ترنس‌ها با مشکلات عدیده‌ای مواجه شوند. در این مسیر، ناآگاهی مردم مهم‌ترین چالش فراروی ترنس‌ها در جامعه ایران را تشکیل می‌دهد (زراعی، ۱۳۹۵: ۵). به طور خلاصه، هنوز فرهنگ‌سازی درستی در خصوص اختلال هویت جنسیتی در سطح جامعه شکل نگرفته است (گشتاسبی اصل، ۱۳۹۳: ۱۳).

به هر شکل، چنانچه قرار بر آن است تا سیاست پیشگیرانه مناسبی در قبال جرم مبتنی بر نفرت و خشونت نسبت به افراد ترنس شکل بگیرد، در گام نخست نیاز است تا آموزش^۱ و ارتقای سطح آگاهی همگانی^۲ راجع به مسائل پیرامون اختلال هویت جنسیتی در دستور کار قرار گیرد. بر این اساس مداخله حقوق کیفری، مرحله بعدی از سیاست پیشگیرانه را تشکیل می‌دهد که با هدف بازدارندگی^۳ از خشونت نسبت به افراد ترنس، جرم مبتنی بر نفرت را بر پایه اختلال هویت جنسیتی شناسایی و ضمانت اجرای متناسبی را نیز برای آن ترسیم می‌کند.

بعد از شناخت سیاست قانونگذاری ایران در مواجهه با خشونت و جرم مبتنی بر نفرت نسبت به ترنس‌ها، حال نوبت آن فرا رسیده است تا مشخص شود که کنشگران قانونگذاری ایالات متحده امریکا چه راهبردی را در قبال بزه‌دیدگی افراد ترنس در مواجهه با خشونت و جرائم مذکور اتخاذ کرده‌اند.

پرتال جامع علوم انسانی

۱. البته در حوزه آموزش پیرامون اختلال هویت جنسیتی باید از سطح «هست‌ها و بودها» فراتر رفته و به سطح «چه باید کرد و چگونه باید رفتار کرد» رسید (امیرحسینی، ۱۳۹۴: ۱۲۰).

۲. در این رابطه، پایگاه اطلاع‌رسانی حمایت از ترنس‌های ایرانی «محتا» به عنوان یکی از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی معدودی معرفی می‌شود که در راستای اطلاع‌رسانی راجع به وضعیت افراد ترنس و مسائل مربوط فعالیت می‌کند.

۵. مقابله با خشونت و جرم مبتنی بر نفرت نسبت به ترنس‌ها در ایالات متحده امریکا برای شناسایی و بررسی راهبرد مقابله با خشونت و جرم مبتنی بر نفرت نسبت به ترنس‌ها در ایالات متحده امریکا، هریک از تدابیر کیفری و غیر کیفری موجود به شکل جداگانه از قرار زیر تبیین و ارزیابی می‌شود.

۱-۵. تدابیر کیفری

کنشگران تقنینی فدرال ایالات متحده امریکا در مسیر مقابله با جرائم مبتنی بر نفرت، رویکرد پویایی را از دهه ۹۰ قرن بیستم میلادی تاکنون اتخاذ کرده‌اند. در این خصوص، قوانین مقابله با جرائم مذکور عبارتند از قانون آمارهای مربوط به جرم مبتنی بر نفرت مصوب ۱۹۹۰،^۱ خشونت نسبت به زنان مصوب ۱۹۹۴،^۲ افزایش مجازات مربوط به جرائم مبتنی بر نفرت مصوب ۱۹۹۵،^۳ پیشگیری از حریق عمدی کلیسا مصوب ۱۹۹۶^۴ (Fisher and Lab, 2010: 440-441).

مینه‌سوتا^۵ به عنوان نخستین ایالت در امریکا به شمار می‌آید که در سال ۱۹۸۸، ترنس‌ها را در ذیل قلمروی مقررات مربوط به جرائم مبتنی بر نفرت قرار داد (Hall et al., 2014: 284). با این وجود، قانون‌گذار فدرال ایالات متحده امریکا برای اولین بار در انشای قانون پیشگیری از جرائم مبتنی بر نفرت در سال ۲۰۰۹،^۶ هویت جنسی را

1. The Hate Crime Statistics Act (HCSA)

2. The Violence Against Women Act (VAWA)

3. The Hate Crime Sentencing Enhancements Act (HCSEA)

در این باره لازم به توضیح است، راهبرد Penalty enhancement به عنوان یک اصل کلی در میان جرائم مبتنی بر نفرت حاکم است؛ به این ترتیب، در جرائم ارتكابی بر پایه ترنس‌بودن قربانی نیز اصل مذکور در سامانه قانونگذاری ایالات متحده امریکا در سطوح فدرال و ایالت‌ها (به شرح موجود در متن مقاله) رعایت می‌شود. «به طور مثال، مطابق با مقررات ایالت کنتیکت Connecticut، مجازات متهمی که به ارتكاب جرم مبتنی بر نفرت محکوم شده است به یک درجه جنایی ارتقاء پیدا می‌کند. به عبارتی دیگر، متهمی که جنایت طبقه C را به عنوان جرم مبتنی بر نفرت مرتکب شده باشد به گونه‌ای مجازات خواهد شد که گویی جنایت جدی‌تر طبقه B را مرتکب شده است» (Gaine and Miller, 2018: 113).

4. Church Arson Prevention Act (CAPA)

5. Minnesota State

6. Hate Crimes Prevention Act (also known as the Matthew Shepard Act)

نیز در نظر گرفت^۱ (Siegel, 2015: 551). به موجب تغییرات اخیر که در مقررات فدرال صورت گرفت، گرایش جنسی، جنسیت و هویت جنسیتی نیز در قانون حاکم بر جرائم مبتنی بر نفرت قرار داده شده است. به علاوه، بسیاری از ایالاتی که از مقررات مربوط به جرائم مبتنی بر نفرت برخوردار هستند نیز موارد یادشده را در جرائم مذکور لحاظ کرده‌اند (Stotzer, 2012: 1).

بر این اساس، قانون‌گذار فدرال با تصویب قانون پیشگیری از جرائم مبتنی بر نفرت در سال ۲۰۰۹، افراد ترنس را به عنوان یک گروه مشمول حمایت^۲ در قبال جرائم مبتنی بر نفرت شناسایی کرد (Ackerman & Furman, 2015: 216). به علاوه، قانون یادشده، افزایش مجازات مربوط به جرائم مبتنی بر نفرت مصوب ۱۹۹۵ را نیز اصلاح کرد. بر این اساس، اداره تحقیقات فدرال ملزم است تا به جمع‌آوری اطلاعات مربوط به جنسیت، هویت جنسیتی و نوجوانانی که مرتکب جرائم مبتنی بر نفرت شده‌اند مبادرت کند. افزون بر آن، قانون سال ۲۰۰۹، صندوق مالی بین‌صلاحتی^۳ [بین‌ایالتی] را تأسیس کرد که در حوزه تحقیق، تعقیب و پیشگیری از جرائم مبتنی بر نفرت کمک می‌کند (Jamel, 2017: 52).

در حال حاضر از مجموع ۵۰ ایالت موجود در آمریکا، ۴۵ ایالت در زمینه جرائم مبتنی بر نفرت مقرراتی را انشاء کرده‌اند (Valcore, 2018: 1) و تنها پنج ایالت یعنی ایالات آرکانزاس،^۴ جورجیا،^۵ ایندیانا،^۶ کارولینای جنوبی^۷ و وایومینگ^۸ هنوز مقرراتی را مقرراتی را نسبت به جرائم مبتنی بر نفرت وضع نکرده‌اند. در این میان، ۱۵ ایالت وجود

۱. در این‌باره شایان توجه است، قانون‌گذار انگلستان و ویلز در سال ۲۰۰۳ طی تصویب قانون عدالت کیفری، عامل گرایش جنسی را در جرائم مبتنی بر نفرت شناسایی کرد (Hannah, 2014: 25).

2. Protected group
3. Interjurisdictional funding
4. Arkansas State
5. Georgia State
6. Indiana State
7. South Carolina State
8. Wyoming State

دارند که اگرچه از مقررات ناظر بر جرائم مبتنی بر نفرت برخوردار هستند ولی از گرایش جنسی یا هویت جنسیتی تصریحی به میان نیاوردند. این ایالت‌ها عبارت‌اند از آلاباما،^۱ آلاسکا،^۲ آیداهو،^۳ میشیگان،^۴ می‌سی‌سی‌پی،^۵ مونتانا،^۶ کارولینای شمالی،^۷ داکوتای شمالی،^۸ اوهایو،^۹ اکلاهوما،^{۱۰} پنسیلوانیا،^{۱۱} داکوتای جنوبی،^{۱۲} اوتا،^{۱۳} ویرجینیا^{۱۴} ویرجینیا^{۱۴} و ویرجینای غربی.^{۱۵} (Jamel, 2017: 52-53). بر این اساس، ۳۰ ایالت، گرایش جنسی^{۱۶} را به عنوان یکی از عوامل جرائم مبتنی بر نفرت به رسمیت شناخته‌اند (Valcore, 2018: 1). وانگهی، ۱۶ ایالت به همراه بخش کلمبیا^{۱۷} مقرراتی را در خصوص مقابله با تبعیض راجع به هویت جنسیتی وضع کرده‌اند (Teich, 2012: 99).

مقررات ایالات در زمینه جرائم مبتنی بر نفرت از یکدیگر متمایز است. به طور مثال، برخی از ایالت‌ها مقرر داشته‌اند که برای تحقق جرائم یادشده، قربانی باید «به خاطر» یا «به واسطه»^{۱۸} گروهی که به آن تعلق دارد به عنوان بزه‌دیده انتخاب شده باشد، در صورتی که در برخی دیگر از ایالت‌ها، همین که دلایل نشان دهد که جرم بر مبنای تعصب^{۱۹} به وجود آمده است کفایت می‌کند (Cramer, et al., 2013: 356).

-
- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
1. Alabama State
 2. Alaska State
 3. Idaho State
 4. Michigan State
 5. Mississippi State
 6. Montana State
 7. North Carolina State
 8. North Dakota State
 9. Ohio State
 10. Oklahoma State
 11. Pennsylvania State
 12. Pennsylvania State
 13. Utah State
 14. Virginia State
 15. West Virginia State
 16. Sex orientation
 17. District of Columbia
 18. "because of" or "by reason"
 19. Prejudice

با این همه، هنوز برخی از نهادهای دستگاه عدالت کیفری چون زندان‌ها نتوانستند نظام حفاظتی مناسبی را در مقابله با خشونت نسبت به افراد ترنس ایجاد کنند. در واقع، زمانی که افراد ترنس بر مبنای جنس زمان تولد خود در زندان مردان یا زنان نگهداری می‌شوند در معرض آزار کلامی، جسمی و جنسی از ناحیه کارکنان زندان و یا سایر زندانیان قرار می‌گیرند (Gitlin, 2017: 48). به طور مثال، وقتی ترنس زن که به لحاظ جنسی مرد به شمار می‌آید در زندان مردان نگهداری می‌شود، احتمال سوءاستفاده به خصوص آزار جنسی وجود دارد، زیرا ترنس زن خود را به عنوان یک زن می‌انگارد و اعمال و کرداری همسو با اعتقاد خویش انجام می‌دهد حال چنانچه وی در فضای بسته مردانه قرار گیرد، قربانی شدن او از احتمال بالایی برخوردار است.

در این خصوص گفته شده است، برخی از زندان‌ها برای جلوگیری از بزه‌دیدگی افراد ترنس، ایشان را جدای از سایر زندانیان نگهداری می‌کنند.^۱ هرچند این نگهداری، حمایت موقتی را برای برخی از افراد به وجود می‌آورد اما بیشتر زندانیان ترنس معتقدند که سازوکار مذکور آزار بیشتری را برای آن‌ها ایجاد می‌کند، زیرا چنین طرز نگهداری باعث می‌شود تا آن‌ها از دسترسی به فعالیت‌های آموزشی، سرگرمی و حرفه‌ای زندان برخوردار نباشند (Erickson-Schroth and Boylan, 2014: 208).

۲-۵. تدابیر غیر کیفری

پس از توصیف و بررسی تدابیر کیفری پیرامون مقابله با خشونت بر ترنس‌ها، حال نوبت آن فرا رسیده است تا مهم‌ترین تدابیر غیر کیفری مرتبط نیز معرفی و بررسی شوند.

۱. اقدام زندان‌ها در نگهداری جداگانه افراد ترنس از سایر زندانیان با عنوان «جداسازی اداری» (administrative segregation) یاد شده است.

۵-۲-۱. ارتقای سطح آموزش و آگاهی

ارتقای آموزش و آگاهی^۱ در خصوص نحوه برخورد با افراد ترنس، رهیافتی پیشگیرانه به شمار می‌آید که می‌تواند منجر به کاهش ارتکاب جرائم مبتنی بر نفرت نسبت به افراد مذکور شود. در این زمینه، در شهر مینیاپولیس در ایالت مینه‌سوتا^۲ این رویکرد که پیشگیری از خشونت و تبعیض نسبت به افراد ترنس جوان از رهگذر خدمات اجتماعی^۳ می‌گذرد در اولویت قرار گرفته است. اعضای شبکه حمایتی از ترنس‌های جوان^۴ آموزش‌هایی را در ارتباط با مسائل پیرامون افراد ترنس به ارائه‌دهندگان خدمات اجتماعی ارائه می‌کنند تا امنیت افراد یادشده در مدارس و نهادهای خدمات اجتماعی مثل مراکز مراقبت از سلامت، پناهگاه‌ها و سازمان‌های مددکاری اجتماعی ارتقاء پیدا کند (Gitlin, 2017: 49).

به علاوه، اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا^۵ در زمره نهادهایی به شمار می‌آید که در زمینه حمایت از حقوق افراد ترنس فعالیت می‌کند. در این راستا، نهاد یادشده تلاش دارد تا با اتکا به آموزش، سطح آگاهی افراد را در خصوص مسائلی که آثار منفی بر افراد ترنس می‌گذارد بالا ببرد. وانگهی، در زمره اقدام‌های مناسب تأسیس یادشده آن است که مقررات ایالتی که هنوز حقوق افراد ترنس را شناسایی نکرده‌اند به چالش می‌کشد (Jamel, 2017: 80-81).

۵-۲-۲. معاضدت حقوقی

در حال حاضر، تعداد رو به رشدی از نهادهای غیرانتفاعی در سطوح ملی، ایالتی و محلی وجود دارند که در زمینه حقوق افراد ترنس^۶ به طور تخصصی فعالیت می‌کنند.

1. Promoting awareness and education
2. Minneapolis in the state of Minnesota
3. Social services
4. The Trans Youth Support Network (TYSN)
5. American Civil Liberties Union (ACLU)
6. Trans law

در بسیاری از پرونده‌ها، این نهادها می‌توانند وکلای تخصصی یا اطلاعات مورد نیاز افراد ترنس را در دسترس ایشان قرار دهند (Erickson-Schroth and Boylan, 2014: 210). استفاده از وکلای تخصصی موجب می‌شود که حمایت حقوقی متناسبی در قبال چالش‌های حقوقی پیرامون افراد ترنس شکل بگیرد. از طرفی، اعتماد افراد ترنس به چنین وکلایی به نحو بهتری جلب می‌شود، زیرا وکلای مذکور از وضع اختلال افراد ترنس آگاهی کامل داشته و بهتر می‌توانند آن‌ها را درک و راهنمایی کنند.

۵-۲-۳. متناسب‌سازی پناهگاه‌ها

وزارت مسکن و توسعه شهری ایالات متحده امریکا^۱ مقرر کرده است که در پناهگاه‌های مخصوص افراد بی‌خانمان^۲ که افراد بر مبنای جنسیت مشمول طبقه‌بندی قرار می‌گیرند، ترنس‌ها نیز باید بر مبنای جنسیتی که با آن اعتقاد و رفتار می‌کنند شناسایی شوند و نه بر مبنای جنسیت زمان تولد آن‌ها. در ضمن، تمام پناهگاه‌هایی که بر مبنای قانون ضد خشونت نسبت به زنان بودجه دریافت می‌کنند نباید نسبت به افراد ترنس تبعیض قائل شوند (Klein, 2016: 43).

۵-۲-۴. عدم تبعیض نسبت به تحصیل در مدارس، کالج‌ها و دانشگاه‌ها

مطابق با عنوان چهارم از اصلاحات آموزشی^۳ فدرال در سال ۱۹۷۲، برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی نمی‌توانند بر مبنای جنس فرد ایجاد تبعیض کنند. این مسئله نسبت به تمامی مدارس از جمله مدارس خصوصی، کالج‌ها و دانشگاه‌هایی که از منابع فدرال تأمین مالی می‌شوند، موضوعیت پیدا می‌کند. به منظور ایجاد شفافیت بیشتر، اداره حقوق مدنی^۴ در سال ۲۰۱۴ به صراحت تأکید کرد که عدم تبعیض جنسی موجود در عنوان چهارم از اصلاحات آموزشی، شامل افراد دارای ترنس نیز می‌شود. بر این اساس،

1. The United States Department of Housing and Urban Development (HUD)
2. Homeless shelter
3. Title IX of the Education Amendments
4. The Office for Civil Rights (OCR)

چنانچه فردی به خاطر هویت جنسیتی مشمول تبعیض قرار گیرد در ذیل چتر حمایتی عنوان چهارم از اصلاحات آموزشی قرار می‌گیرد. علاوه بر سطح فدرال، برخی از ایالات نیز مقررات خاص خود را در این زمینه دارند (Pelleschi, 2016: 38-39).

۵-۲-۵. مقررات حمایتی در محیط کار

مقررات ضد تبعیض جنسی^۱، کارفرمایان را از هرگونه اعمال تبعیض بر مبنای کلیشه‌های جنسیتی^۲ منع می‌کند. بر این اساس، تبعیض نسبت به افراد ترنس نیز به طور معمول در قالب تعریف بالا [از تبعیض] قرار می‌گیرد، زیرا افراد مذکور ممکن است «خیلی زنانه» برای مردها یا «خیلی مردانه» برای زنان به نظر برسند. به طور مثال در یک پرونده، دادگاه از مقررات ضد تبعیض جنسی برای حمایت از مأمور آتش‌نشانی که اخراج شده بود استفاده کرد. کارمند یادشده که در حال گذر از جنس مردانه به زنانه [ترنس زن] بود به خاطر لاک ناخن، آرایش کردن و این‌که خیلی زنانه به نظر می‌رسید اخراج شده بود (Erickson-Schroth and Boylan, 2014: 188).

فرجام سخن

با کاوشی که در جستار حاضر صورت پذیرفت مشخص شد که کنشگران نظام قانونگذاری ایران در حوزه مقابله با خشونت نسبت به ترنس‌ها بر پایه اختلال هویت جنسیتی ایشان، هنوز راهبرد مناسبی را اتخاذ نکرده‌اند. از یک طرف، قانون‌گذار کیفری نه نسبت به جرم‌انگاری جرم مبتنی بر نفرت اقدام کرده است و نه تشدید خاص مجازات در جایی که مرتکبان بر پایه اختلال هویت جنسیتی قربانی، مرتکب خشونت و بزهکاری می‌شوند را در دستور کار قرار داده است. علاوه بر این‌ها، فرآیند کیفری نیز متناسب با اختلال هویت جنسیتی ترنس‌ها سازمان‌دهی تقنینی نشده است. در حوزه

1. Sex discrimination laws
2. Sexual stereotypes

غیرکیفری هم تاکنون سیاست مناسبی در مواجهه با خشونت و جرم مبتنی بر نفرت نسبت به ترنس ها اتخاذ نشده است. در واقع، اگرچه به لحاظ فقهی و حقوقی، ممنوعیتی بر سر راه عمل تغییر جنسیت ترنس ها وجود ندارد اما این موضوع باعث نشده است تا حقوق افراد مذکور در سایر ابعاد نیز به رسمیت شناخته شود. در این خصوص، مهم ترین کمبودها و نارسایی های غیرکیفری موجود در مواجهه با بزه دیدگی ترنس ها عبارتند از فقدان برنامه های فراگیر آموزشی و به دنبال آن، ارتقای سطح آگاهی همگانی پیرامون اختلال هویت جنسی، نبود پناهگاه های امن و همچنین کمبود حمایت های خاص قانونی از ترنس ها در عرصه فعالیت های اجتماعی.

در سوی مقابل، کنشگران قانونگذاری ایالات متحده امریکا در سطوح فدرال و بیشتر ایالات، راهبرد کم و بیش مناسبی را در مواجهه با خشونت و جرم مبتنی بر نفرت نسبت به ترنس ها اتخاذ کرده اند. در این خصوص، قانون گذار فدرال و برخی از ایالات، جرم مبتنی بر نفرت بر پایه اختلال هویت جنسیتی قربانی را جرم انگاری کرده اند. با این وجود، هنوز برخی از اجزای دستگاه عدالت کیفری نتوانسته راهبرد مناسبی را نسبت به ترنس ها در پیش بگیرد. در این زمینه، اگرچه برخی از زندان ها با توسل به سیاست جداسازی اداری، ترنس ها را به صورت جدا از سایر زندانیان نگهداری می کنند اما این موضوع با عنایت به محدودیت هایی که برای افراد ترنس پدید می آورد نتوانسته است بازدهی مطلوبی را در پی داشته باشد. در طرف دیگر، قانون گذار فدرال در حوزه غیرکیفری مقررات متعددی را نسبت به شناسایی حقوق ترنس ها و مقابله با تبعیض بر پایه اختلال هویت جنسیتی افراد وضع کرده است؛ مقررات یاد شده از قوانین ضد تبعیض در محیط کاری، حرفه ای گرفته تا محیط های آموزشی و استفاده از پناهگاه ها را در ذیل سیطره خود قرار می دهد. به علاوه، نهادهای حمایت از حقوق ترنس ها نیز به نحو مناسبی در مسیر نهادینه سازی اجرای مقررات ضد تبعیض و ایجاد معاضدت حقوقی و ارائه وکلای متخصص در حوزه حقوق ترنس ها فعالیت می کنند.

با این همه باید اذعان کرد، ترنس‌ها به عنوان بخشی از تابعان هر جامعه به شمار می‌آیند که نیازمند تدابیر قانونگذاری متناسب به منظور کاهش بزه‌دیدگی در قبال انواع آزار و خشونت هستند. در این خصوص توصیه بر آن است تا سیاست‌گذاران قانونگذاری ایران از یک سو با جرم‌انگاری جرم مبتنی بر نفرت (بر پایه اختلال هویت جنسیتی) یا تشدید خاص مجازات مرتکبان خشونت نسبت به ترنس‌ها به همراه متناسب‌سازی تمامی مراکز سلب آزادی (زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها) و از طرف دیگر با تمرکز و ارتقای سطح آموزش همگانی راجع به اختلال هویت جنسیتی، ایجاد پناهگاه‌های امن، توزیع مراکز اورژانس اجتماعی مبنی بر ارائه خدمات به ترنس‌ها در تمام شهرها، معاضدت حقوقی در قبال تبعیض در فضای کار و اعمال خشونت‌آمیز، در شناسایی حقوق و کاهش خشونت نسبت به ایشان گام‌های جدی بردارد.

منابع

الف. فارسی

- امیرحسینی، پریسا (۱۳۹۴)، «تنگناهای تغییر جنسیت: برساخت هویت جنس هویت جنس سوم، ورای امکان‌های پیش روی تبدیل خواهان»، فصلنامه پژوهش اجتماعی، دوره ۷، شماره ۲۸، صص ۹۷ - ۱۲۲.
- بهنام، امیر (۱۳۸۸)، جنس سوم، موجود تازه‌ای متولد می‌شود، تهران: مؤلف، چاپ اول.
- دارابی، بهنام (۱۳۹۵)، «جرائم ناشی از نفرت مذهبی»، نشریه مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۴۶، صص ۵۶ - ۶۷.
- زرعی، فاطمه (۱۳۹۵)، «جنس سوم»، گاهنامه دانشجویی اجتماعی-سیاسی-فرهنگی سلام، شماره ۲، صص ۱-۱۵.
- صادقی، سالار (۱۳۹۵)، بررسی حقوقی و جرم‌شناختی جرائم ناشی از نفرت (با تأکید بر مکتب جرم‌شناسی پست مدرن)، تهران: انتشارات مجلد، چاپ اول.

صفری، محسن و امیر شاه کرمی، سید مهرداد (۱۳۹۵)، «بررسی حقوق اجتماعی افراد ترانجسیتی از نگاه اسناد بین‌المللی، نظام حقوق کامن‌لا و حقوق داخلی ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۲، صص ۳۷۵-۳۹۲.

علیرضائزاد، سهیلا؛ آذرنیا، عقیق و نیکوگفتار، منصوره (۱۳۹۵)، «برزخ تن، تناقض در هویت جنسی و جنسیتی: مطالعه‌ای در سازگاری اجتماعی ناراضیان جنسی»، نشریه علوم اجتماعی، دوره ۲۳، شماره ۷۲، صص ۱۴۳-۱۹۱.

فرهمند، مهناز و دانافر، فاطمه (۱۳۹۶)، «تحلیل مشکلات فردی- اجتماعی ترنس‌ها»، نشریه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۶، شماره ۴، صص ۷۳۵-۷۶۵.

کریمی‌نیا، محمدمهدی (۱۳۹۱)، تغییر جنسیت با تأکید بر دیدگاه امام خمینی، تهران: چاپ و نشر عروج، چاپ اول.

گشتاسبی اصل، سام (۱۳۹۳ الف)، ترنس کیست؟ نوشته‌های انجمن روانشناسی ایران، تهران: انتشارات بهار علم، چاپ اول.

گشتاسبی اصل، سام (۱۳۹۳ ب)، تغییر جنسیت صرفاً جسمی نیست، تهران: انتشارات بهار علم، چاپ اول.

مجیدی‌نژاد، بهشته (۱۳۹۰)، «مطالعه جرم‌شناختی- فلسفی جرائم ناشی از نفرت»، تهران، پایان‌نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

ویسی، اصلان و نظری، احسان (۱۳۹۵)، جایگاه تغییر جنسیت در نظام حقوقی ایران، تهران: انتشارات جاودانه، جنگل، چاپ اول.

ب. انگلیسی

Ackerman, Alissa.R. & Furman, Rich. (2015) **Sex Crimes: Transnational Problems and Global Perspectives**, New York: Columbia University Press.

Bissler, Denise. L. and Joan. L. Connors (2014) **The Harms of Crime Media: Essays on the Perpetuation of Racism, Sexism and Class Stereotypes**, North Carolina: McFarland, Incorporated, Publishers.

Chalmers, James, & Leverick, Fiona. (2017) "A Comparative Analysis of Hate Crime Legislation.", **A Report to the Hate Crime Legislation Review.**

- Corona, Giovanni. et al. (2014) **Emotional, Physical and Sexual Abuse: Impact in Children and Social Minorities**. New York: Springer International Publishing.
- Cramer, Robert. J. et al. (2013) "An Examination of Sexual Orientation and Transgender-based Hate Crimes in the post-Matthew Shepard Era." **Psychology, Public Policy, and Law**, Vol. 19, No.3, pp. 355-368.
- Erickson-Schroth, L. and J. F. Boylan (2014) **Trans Bodies, Trans Selves: A Resource for the Transgender Community**, Oxford: Oxford University Press.
- Fisher, Bonnie.S. & Lab, Steven.P. (2010) **Encyclopedia of Victimology and Crime Prevention**. California, SAGE Publications.
- Gaines, Larry. K. and Le. Roy. Miller (2018) **Criminal Justice in Action**, Boston: Cengage Learning.
- Gitlin, Martin (2017) **Transgender Rights**, New York: Greenhaven Publishing.
- Giannasi, Paul. & Grieve, John (2014) **The Routledge International Handbook on Hate Crime**, London: Routledge.
- Hannah, Mason. B. (2014) "Beyond the Silo", **The Routledge International Handbook on Hate Crime**, London: Routledge, pp.24-33.
- Helgeson, Vicki. S. (2016) **Psychology of Gender**, Fifth Edition, Oxfordshire: Taylor & Francis.
- Jamel, Joanna (2017) **Transphobic Hate Crime**, New York: Springer International Publishing.
- Klein, Rebecca.T. (2016) **Transgender Rights and Protections**, New York: Rosen Publishing.
- Nemoto, Tooru, Birte Bödeker, and Mariko Iwamoto (2011) "Social Support, Exposure to Violence and Transphobia, and Correlates of Depression among Male-to-Female Transgender Women with a History of Sex Work." **American Journal of Public Health**, Vol. 101, No.10, pp. 1980-1988.
- Pelleschi, Andrea (2016) **Transgender Rights and Issues**. North Mankato: ABDO Publishing Company.
- Perry, Joanna & and Paul. Franey (2017) **Policing Hate Crime against LGBTI persons: Training for a Professional Police Response**, Strasbourg: Council of Europe.
- Pettigrew, Sarah (2016) "Discrimination and Hate Crimes against the Trans Community." Thesis for Graduation from the Western Oregon University Honors Program 1-49.
- Galupo, M. Paz, Jo Forrest Stuart, and Derek P. Siegel (2015) "Transgender, Transexual, and Gender Variant Individuals." *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, 2nd edition, Vol. 24, pp. 549-553.

- Steele, L. S. et al. (2017). "LGBT Identity, Untreated Depression, and Unmet Need for Mental Health Services by Sexual Minority Women and Trans-Identified People.", **Journal of Women's Health**, Vol. 26, No.2, pp. 116-127.
- Stotzer, Rebecca. L. (2012) "Comparison of Hate Crime Rates Across Protected and Unprotected Groups" – An Update. **UCLA: The Williams Institute**, pp. 1-5. Retrieved from <https://escholarship.org/uc/item/43z1q49r> Stotzer
- Summersell, Jason (2018) "Trans Women are Real Women: a Critical Realist Intersectional Response to Pilgrim.", **Journal of Critical Realism**, Vol. 17, No.3, pp. 329-336.
- Teich, Nicholas. M. (2012) **Transgender 101: A Simple Guide to a Complex Issue**, New York: Columbia University Press.
- Tomei, Jenna, and Robert J. Cramer (2016) "Legal Policies in Conflict: The Gay Panic Defense and Hate Crime Legislation", **Journal of Forensic Psychology Practice**, Vol.16, No.4, pp. 217-235.
- Valcore, Jace L. (2018) "Sexual Orientation in State Hate Crime Laws: Exploring Social Construction and Criminal Law.", **Journal of Homosexuality**, Vol. 65, No.12, pp. 1607-1630.
- Zylan, Yvonne (2009) "Passions We Like and Those We Don't: Anti-Gay Hate Crime Laws and the Discursive Construction of Sex, Gender, and the Body." **Michigan Journal Gender & Law**, Vol. 16, No. 1, pp.1-48.

– سایت‌های اینترنتی

ایلنا، خبرگزاری کار ایران (۱۳۹۷/۲/۲۲)؛ «کمک درمانی به‌زیستی به "ترنس سکشوال‌ها" تا سقف ۲۵ میلیون تومان/هزینه جراحی تغییر جنسیت چندین برابر است». در:

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-620924>

«آیین‌نامه معاینه و معافیت پزشکی مشمولان خدمت وظیفه عمومی» (آخرین بازدید: ۱۴۰۰/۲/۱) در:

<http://qavanin.ir/Law/PrintText/236266>

"The Code of Laws of the United States of America" (Last visit: January 14, 2019)

[http://uscode.house.gov/view.xhtml?req=\(title:34%20section:41305%20edition:prelim\)](http://uscode.house.gov/view.xhtml?req=(title:34%20section:41305%20edition:prelim))

" U.S. Congress legislation " (Last visit: January 14, 2019)

<https://www.congress.gov/bill/103rd-congress/house-bill/1152/text>

<https://www.congress.gov/bill/104th-congress/senate-bill/1890>

<https://www.congress.gov/bill/111th-congress/senate-bill/909/text>

"Violence Against Women Reauthorization Act of 2013" (Last visit January 14, 2019) : <https://www.gpo.gov/fdsys/pkg/BILLS-113s47es/pdf/BILLS-113s47es.pdf>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی